

شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امنیت انرژی در آسیا و ارتباط میان خاورمیانه و آسیا

تهیه و تنظیم: فرانک عبدی

انستیتوی اقتصاد انرژی ژاپن در روزهای ۱۵ الی ۱۶ فوریه سال جاری میلادی، مبادرت به برگزاری سمپوزیومی پیرامون همکاری در زمینه انرژی در منطقه آسیا- پاسیفیک، با تأکید بر امنیت انرژی در آسیا نمود. بعلاوه در سال گذشته میلادی (ماه مارس) وزارت امور خارجه ژاپن اقدام به برگزاری همایش یک روزه‌ای با عنوان «بررسی ارتباط میان خاورمیانه و آسیا در زمینه انرژی» در توکیو ژاپن نمود. در این اجلاس و همایش که با حضور متخصصین و دست‌اندرکاران بازار انرژی، دانشگاهیان، ارگان‌های دولتی، نمایندگی‌های مقیم توکیو تشکیل گردید، متخصصین انرژی بین‌المللی به سخنرانی و تبادل نظر پیرامون وضعیت انرژی در آسیا پرداختند که اهم مطالب این اجلاس و همایش در ادامه به نظر خوانندگان خواهد رسید:

نقش آسیا در عرضه و تقاضای انرژی خاورمیانه

انرژی سهم عظیمی در رشد و توسعه اقتصادی به عهده دارد. به طوری که نیاز به آن در تمام نقاط جهان تجربه شده است. انرژی صنعتی و تجاری حاکم بر جهان، نفت خام است. قیمت این ماده ارزشمند می‌تواند اقتصاد کشورها را رقم بزند. قیمت نفت خام در بازارهای جهانی از اواخر سال ۱۹۹۷ به شدت کاهش یافت. در حالیکه با ورود به سال ۱۹۹۸ شاهد بهبود وضعیت هستیم. شاید بتوان گفت که تمامی این نوسانات از عدم توازن عرضه و تقاضا نشأت می‌گیرد. منطقه آسیا مؤثرترین نقش را در میزان تقاضا و عرضه نفت خام دارد. در این بین، بحران مالی آسیا مطرح می‌شود. این مقوله مهمترین تأثیر را در کاهش تقاضا داشته و در نهایت از جمله عوامل تأثیرگذار بر روی بازارهای جهانی بوده است. شاید با رشد و توسعه اقتصادی آسیا، رشد و توسعه پایدار در بازارهای منطقه‌ای نفت حاکم شود.

از جمله پیامدهای بحران مالی اخیر در آسیا، کاهش تقاضای گاز و تأثیر شدید آن در اجرای پروژه‌های گاز است. البته تأثیر این بحران هم بر روی کشورهای صادرکننده و هم کشورهای واردکننده انرژی بوده است. حتی این بحران، نظام اقتصادی کشورهای تولیدکننده گاز غیرآسیایی را نیز تحت تأثیر قرار داد و پروژه‌های گاز موجود در این کشورها را نیز زیر سؤال برد. لذا با بررسی وضعیت کنونی پس از بحران این الزام احساس می‌شود که باید تغییرات اساسی ساختاری اعمال شود. از جمله این تغییرات قوانین‌زدایی و خصوصی‌سازی بخش‌های مختلف نفت و گاز است.

استراتژی‌های شرکت‌های بزرگ نفتی در آسیا

شرکت‌های بزرگ نفتی در آسیا به صورت عمده سه هدف را دنبال می‌کنند که عبارتند از:

تأمین انرژی و فرآورده‌های مورد نیاز بازار، توجه به سلامتی انسان و محیط زیست و سودآوری جهت پرداخت سود به سهامداران شرکت.

برای نیل به این هدف شرکت‌ها مجبور به توسعه تکنولوژی می‌باشند تا به طور مؤثر به توسعه و بهره‌برداری از منابع بپردازند.

همچنین با توجه به بالا بودن هزینه‌ها و به طور کلی «سرمایه‌بر» بودن صنعت نفت شرکت‌های بزرگ نفتی نیز مجبور شده‌اند که به تحدید ساختار و در پاره‌ای از موارد ادغام با یکدیگر بپردازند.

این شرکت‌ها بازار آسیا را یک بازار کلیدی قلمداد می‌کنند و طبق پیش‌بینی‌های بعمل آمده، رشد اقتصادی این منطقه از متوسط رشد جهانی بالاتر خواهد بود. در حال حاضر تقاضا برای نفت در منطقه آسیا حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز است لکن تا ده سال دیگر این تقاضا به ۲۸ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت.

در حال حاضر سهم گاز در انرژی‌های اولیه در آسیا حدود ۱۰ درصد است، در صورتی که این میزان برای دنیا ۲۲ درصد است.

مصرف گاز به‌عنوان یک «سوخت تمیز» در حال افزایش است و لذا توسعه منابع گازی در منطقه، خصوصاً از نواحی گینه نو، اندونزی، استرالیا و ساخالین افزایش خواهد یافت. شرکت اکسون موبیل از جمله شرکت‌های است که در حال حاضر گاز طبیعی مایع شده (L.N.G.) از قطر به ژاپن و کره جنوبی صادر می‌کند و به زودی همکاری‌های جدیدی را با تایوان و سایر کشورهای آسیایی برقرار خواهد کرد.

امنیت انرژی و ثبات عرضه انرژی

بحث امنیت انرژی پس از سال ۱۹۷۳ یک موضوع مهم سیاسی شد و بعد از شوک دوم نفتی در سال ۱۹۷۹ شدت و اهمیت بیشتری یافت. با توجه به بحران‌های ایجادشده، هر یک از کشورها، چه کشورهای تولیدکننده و چه کشورهای مصرف‌کننده، عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان داده‌اند.

برخی کشورها بحث تجدید ساختار را برای تأمین امنیت لازم به میان می‌کشند، که از جمله فعالیت‌های مهم اخیر در مورد تغییر ساختار، ادغام شرکت‌های اگزان، موبیل^۱ و شرکت‌های بی‌پی، آموکوا^۲ است. اگرچه شرکت‌های نفتی چنین عکس‌العمل‌هایی نشان داده و علاوه بر آن خصوصی‌سازی و آزادسازی را پیشنهاد می‌کنند، اما نباید از نظر دور داشت که این‌گونه فعالیت‌ها، مشکلاتی را نیز به همراه خواهد داشت. از جمله این مشکلات، عدم تفاهم و همفکری میان برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران بخش انرژی و

مصرف گاز در جهان

به عنوان یک «سوخت تمیز» در حال افزایش است

اقتصادی است. در این بین کشورهای که اقتصادی وابسته‌تر به نفت دارند، بیشترین ضربه را متحمل می‌شوند.

در آسیای جنوب شرقی بعلاوه رشد اقتصادی قابل ملاحظه، تقاضا برای انرژی در حال افزایش بوده است، لکن عرضه انرژی از منطقه روندی کاهنده به خود گرفته که علت عمده آن کاهش تولید نفت در منطقه بوده است. لذا حالت عدم تعادل بین عرضه و تقاضا برای انرژی در حال گسترش است.

در حال حاضر توجه زیادی به «جهانی شدن» معطوف گردیده و بسیاری از کشورها نظیر چین و هند سعی می‌کنند شرایط خود را با اقتصاد جهانی هماهنگ نمایند. صنعتی شدن چین و هند تأثیر زیادی بر مصرف انرژی بر جای گذاشته است.

تغییرات در تعادل عرضه و تقاضا برای انرژی سیاست‌های امنیتی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد زیرا اولاً، برای کشورهای آسیای شرقی مبحث انرژی از اهمیت زیادی برخوردار است. به عنوان مثال ژاپن با توجه به اینکه فاقد منابع انرژی بوده همواره برای تأمین عرضه اهمیت زیادی قائل بوده است. برای امنیت انرژی بایستی امنیت خطوط دریایی حفظ شود و لذا امنیت سیاسی در کشورهای مناطق گذر تانکرهای نفتی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است و باید با کشورهای آسیای شرقی و خلیج فارس رابطه سیاسی بهتری داشته باشند.

ثانیاً این احتمال وجود دارد که ساختار همکاری بین‌المللی در بین کشورهای آسیای شرقی در مبحث انرژی با مشکلاتی مواجه شود؛ لذا می‌بایست اهمیت عرضه در کوتاه مدت و ترتیبی جهت اقدام در شرایط

1- Exxon-Mobil

2- BP-Amoco



خاورمیانه هم اکنون تقریباً ۳۰ درصد از کل نفت خام جهان را تولید می‌کند و پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال ۲۰۱۰ به حدود ۴۰ درصد بالغ گردد

اضطراری و یا بحرانی تدارک دیده شود. مثلاً ضروری است که ذخیره‌سازی نفت در منطقه آسیا افزایش یابد. طبق دستورالعمل آژانس بین‌المللی انرژی کشورهای عضو این آژانس معادل ۹۰ روز مصرف خود ذخیره نفت دارند. این ذخایر برای ژاپن معادل بیش از ۱۵۰ روز مصرف آن کشور است. معهد ذخیره‌سازی در سایر کشورهای آسیای ناچیز بوده است. بر طبق پیش‌بینی‌های به‌عمل آمده رشد مصرف انرژی در منطقه آسیا در طی دوره ۲۰۲۰-۱۹۹۵ به طور متوسط سالانه ۳/۲ درصد خواهد بود و میزان وابستگی منطقه به نفت وارداتی از ۵۹ الی ۶۸ درصد در نوسان خواهد بود.

توسعه انرژی‌های جایگزین نفت عمدتاً از طریق ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای بوده است. توسعه این گونه تأسیسات غالباً با مخالفت کشورها (به‌غیر از فرانسه) مواجه بوده است. در منطقه آسیا تا پایان سال ۲۰۰۰ تعداد رآکتورهای اتمی به ۱۰۰ واحد بالغ خواهد شد. توسعه تأسیسات اتمی همواره با مسئله لزوم عدم توسعه سلاح‌های هسته‌ای، و مخالفت‌های زیست‌محیطی روبرو بوده و شاید گسترش این نوع انرژی چندان آسان صورت نپذیرد.

استفاده از سایر انرژی‌ها نیز همواره مورد توجه بوده و لکن عملاً اثر چندانی بر عرضه و تقاضای انرژی نداشته است. همکاری منطقه‌ای در زمینه انرژی می‌تواند به صورت: تنوع بخشیدن به مناطق تأمین انرژی مثلاً در خاورمیانه، دریای خزر و ساختن و غیره، استفاده بیشتر از انرژی اتمی و افزودن بر اعتماد عمومی و نظارت شورای امنیت عمومی آسیا پاسیفیک (CSCAP) بر چگونگی استفاده از انرژی اتمی

در منطقه، تحقق یابد. از طرفی نظر به این که در آمریکا و اروپا منابع زغال سنگ بیشتری در مقایسه با آسیا وجود دارد وابستگی آن‌ها به انرژی‌های اولیه وارداتی کمتر است لذا سیاست‌های دولت‌های منطقه آسیا عمدتاً شامل: امنیت انرژی، امنیت نفت، حفاظت محیط زیست، اصلاح مقررات (Regulatory Reform) و توسعه تکنولوژیکی بوده است.

کشورهای منطقه آسیا با توجه به وجود زغال سنگ در منطقه بایستی با حل مباحث زیست‌محیطی بهره‌برداری از این سوخت (ارزان‌قیمت) را افزایش دهند.

نکته دیگری که حائز اهمیت است لزوم بالا بردن راندمان انرژی در کشورهای آسیایی می‌باشد لذا در این اجلاس پیشنهاد شده که سیاست امنیت انرژی در آسیا عمدتاً بر اساس موارد ذیل استوار گردد:

استفاده بیشتر از گاز طبیعی، استفاده بیشتر از زغال سنگ (توام با کاستن از آلودگی‌های آن)، بالا بردن راندمان استفاده از انرژی (Efficient energy use)، سیستم ذخیره نفت (oil stockpile) و همکاری بین کشورهای آسیایی و خاورمیانه.

بازارهای گاز طبیعی در آسیای شمال شرقی در یکی از جلسات، وضعیت فعلی و جوانب مختلف بازارهای گاز طبیعی و رشد و توسعه زیرساخت‌ها در آسیای شمال شرقی و مشکلات کشورهای مختلف این منطقه مطرح شد. از جمله این کشورها هند است که وضعیت تجارت و صنعت آن در بخش انرژی مورد بحث قرار گرفت. مصرف تجاری انرژی که مهمترین بخش مصرف است، در این کشور با میزان رشد ثابت ۶ درصد در سال از ۶۵ میلیون تن نفت معادل در سال ۱۹۷۳ به ۲۶۰ میلیون تن نفت معادل در سال ۱۹۹۷ رسیده است. در حالی که در برابر چنین رقمی میانگین رشد جهانی افزایش سهم انرژی در بخش صنعت، تقریباً ۲ درصد پیش‌بینی می‌شود که شاید این رقم با افزایش سطح استاندارد زندگی و توسعه شهرسازی کمی افزایش یابد.

کشور هند تقریباً ۸ درصد از کل ذخایر زیرزمینی و ۵/۷ درصد از ذخایر اثبات‌شده زغال‌سنگ را در جهان داراست. ذخایر معدنی اثبات‌شده در این کشور، اخیراً حدود ۷۳ میلیارد تن برآورد شده است. البته زغال‌سنگ تولیدی این کشور از کیفیت خوبی برخوردار نیست. این موضوع

مشکلات هدیده زیست‌محیطی را سبب شده است. از این رو، استفاده از منابع هیدروکربوری ارجحیت دارد.

میزان مصرف نفت و گاز، از میزان ۳۸ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است. تقاضا برای فرآورده‌های نفت خام در کشور هند در طول ۵۰ سال گذشته، ۳۰ برابر افزایش یافته است. مصرف این فرآورده‌ها که ۳ میلیون تن در طول سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹ بوده به ۸۴ میلیون تن در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ افزایش یافته است و پیش‌بینی شده که طی ۱۰ سال آینده دو برابر شود و به سطح تقریبی ۱۵۰ میلیون تن تا سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ برسد.

به منظور پاسخگویی به افزایش تقاضای فرآورده‌های نفتی، کشور هند در نظر دارد تا ده سال آینده ظرفیت پالایشی خود را دو برابر سطح فعلی کند. البته برای ایجاد ظرفیت‌های اضافی در بخش پالایش لازم است که از بهترین فن‌آوری‌ها در جهان استفاده شود، به طوری که تولید مواد تقطیری با کیفیت بالا به حداکثر میزان تولید خود برسد. از آنجایی که پیش‌بینی می‌شود که وابستگی این کشور به واردات مواد هیدروکربوری حدود ۷۰ درصد تا سال ۲۰۰۱-۲ باشد، از این رو تأمین امنیت در این بخش اهمیت خاصی دارد.

واردات نفت خام کشور هند پیش‌بینی شده که به حدود ۳۷ میلیون تن در سال ۹۹-۱۹۹۸ برسد و برآورد می‌شود این میزان به بیش از ۷۱ میلیون تن تا سال ۲۰۰۱-۲ افزایش یابد و شاید به ۱۱۰ میلیون تن تا سال ۲۰۰۶-۷ برسد.

اهمیت خاورمیانه و نقش آن در تأمین انرژی آسیا

شاید در اذهان عمومی این سؤال مطرح شود که چرا خاورمیانه منطقه‌ای مهم برای کل جهان است؟ جواب آن است که این منطقه سرشار و غنی از ذخایر نفت خام است. نفت مهمترین منبع انرژی است که حتی بصورت روزانه تمامی فعالیت‌های اقتصادی را کنترل و تغذیه می‌کند. ۶۵ درصد از ذخایر نفت خام جهان در کشورهای خاورمیانه وجود دارد. این منطقه همچنین حدود ۳۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را داراست. منبع انرژی که به دلیل مسایل زیست‌محیطی اخیراً توجه بسیاری را به خود جلب کرده است.

خاورمیانه هم اکنون تقریباً ۳۰ درصد از کل نفت خام جهان را تولید می‌کند و پیش‌بینی می‌شود که تقریباً تا میزان ۴۰ درصد تا سال ۲۰۱۰ افزایش یابد. به دلیل ذخایر غنی نفتی، خاورمیانه جایگاه مذاکرات مهم و موضع اصلی دیپلماتیک است.

از طرف دیگر، منطقه آسیا رابطه تنگاتنگی با منطقه خاورمیانه دارد، زیرا آسیا به میزان قابل توجهی به واردات نفت این منطقه وابسته است. پیش‌بینی می‌شود که نفت به عنوان سوخت اصلی و غالب در آسیا تا مدت زمانی باقی بماند. رکود اقتصادی حاکم بر آسیا و کاهش تقاضای انرژی، این منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. البته پیش‌بینی شده که در میان مدت و بلندمدت مشکلات اقتصادی آسیا مرتفع خواهد شد و تقاضای انرژی آن افزایش خواهد یافت.

به دلیل قیمت‌های پایین نفت، اخیراً سرمایه‌گذاری توسط کمپانی‌های نفتی کمی با رکود مواجه شده است. البته بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها به سمت کشورهای حوزه خلیج فارس در حال حرکت است. جایی که هزینه‌های تولید در مقایسه با دیگر مناطق بسیار پایین‌تر است.

همچنین دریای خزر اخیراً توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. به طوری که این منطقه را خاورمیانه دیگر می‌نامند. اما پس از بررسی‌های به‌عمل آمده، این نتیجه حاصل شده که دریای خزر نمی‌تواند با خاورمیانه رقابت کند، زیرا هزینه تولید در این منطقه بسیار بالاتر، حمل و نقل مشکل‌تر و میزان ذخایر آن بسیار کمتر از منطقه خاورمیانه است. لذا با طرح این موضوع اهمیت منطقه خاورمیانه دو چندان می‌شود. کشورهای خاورمیانه تقریباً ۶۰ درصد از نفت خام خود را به بازارهای آسیا صادر می‌کنند. شاید برای کشورهای خاورمیانه مشکل باشد تا بازارهای جدیدی در بیرون از منطقه آسیا بیابند، زیرا مناطق دیگر از منابع و ذخایر در دیگر مکان‌ها همچون دریای شمال و روسیه تغذیه می‌شوند. بنابراین برای حفظ قدرت رقابت خود در منطقه باید کشورهای خاورمیانه از آخرین دست‌آورها و تکنولوژی‌ها بهره بگیرند تا بتوانند هر چه بهتر بخش بالادستی خود را از جمله میادین نفتی در دریا را گسترش دهند. در واقع باید جای پای برای خود در کشورهای دارای تکنولوژی باز کنند. اما به هر حال برای کشورهای خاورمیانه فعالیت و بازاریابی در منطقه اروپا و آمریکا

ریسک محسوب می‌شود.

نقش ایران در آسیا در عرصه منابع هیدروکربوری

مجموع ذخایر نفت آمریکای لاتین، آفریقا و کشورهای آسیای حدود یکی سوم ذخیره خاورمیانه می‌باشد. لذا اهمیت این منطقه و آبراهه اصلی انتقال نفت این منطقه یعنی مدیترانه و خلیج فارس مشخص می‌گردد. اگر به این مجموعه نفت آسیای میانه و خزر (که نهایتاً از یکی از دو مسیر خلیج فارس یا مدیترانه انتقال می‌یابد) اضافه شود با کشف منابع هیدروکربوری در منطقه آسیای میانه و دریای خزر بر اهمیت خلیج فارس و مدیترانه افزوده خواهد شد.

در اینجا ذکر دو نکته ضروری است اول اینکه سهم انرژی تقریباً در یک دهه گذشته برای کشورهای آسیای چین، هند، اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، کره جنوبی، تایوان، تایلند و ژاپن از ۱۷/۵ درصد در سال‌های پایانی دهه ۸۰ به حدود ۲۵ درصد در سال‌های پایانی قرن گذشته رسیده است، در حالیکه از سهم اروپا کاسته شده است. دوم آن‌که وقتی انگیزه‌های سیاسی وارد مسایل و موضوعات انرژی می‌شود معمولاً نقش مخرب پیدا می‌کند، در حالیکه اگر صرفاً با نقش اقتصادی وارد بازاریابی انرژی شوند، نقش سازنده داشته و باعث رشد و توسعه می‌گردد.

با توجه به آمارهای ذکر شده خاورمیانه منبع اصلی تأمین‌کننده نفت کشورهای آسیای است و اولویت برای کشورهای شرق و غرب آسیا انتقال نفت خزر از خلیج فارس می‌باشد. با توجه به این مهم که ایران کشوری است که از طریق آن ارتباط مستقیم دریای خزر و خلیج فارس امکان‌پذیر می‌گردد، مشخص می‌شود که آسیای میانه برای امنیت انرژی می‌بایستی خط مشی خاصی خود را داشته باشد.

بعلاوه ایران با ذخایری معادل ۲۴ تریلیون مترمکعب (T.C.M.) بیش از ۱۵ درصد از ذخایر گازی جهان را در اختیار دارد. بسیاری از کارشناسان نفتی بر این اعتقادند که در قرن جدید نقش گاز به خاطر مسائل زیست‌محیطی سال به سال افزایش می‌یابد. در این رابطه، اگرچه ایران و قطر و تا حدودی ترکمنستان در تأمین گاز کشورهای غرب آسیا نظیر هند و پاکستان می‌تواند نقش اصلی را ایفاء نمایند و در این رابطه طرح‌های مختلفی

۶۵ درصد از ذخایر نفت خام

و ۳۰ درصد از

ذخایر گاز طبیعی جهان

در کشورهای خاورمیانه

قرار دارد

هم مطرح است، اما در مورد کشور ژاپن و کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا، بهره‌برداری از منابع گازی خلیج فارس و آسیای میانه به دو طریق LNG و GTL امکان‌پذیر می‌باشد. در هر حال منابع گاز پارس جنوبی ایران که چهار فاز آن شروع شده است، فرصت مناسبی است برای شرکت‌های ژاپنی و کره‌ای، به ویژه آن‌که شرکت‌های کره جنوبی نه تنها در فازهای پارس جنوب فعال هستند، بلکه نقش قابل توجهی را در پروژه‌های نفتی و پتروشیمی در ایران به خود اختصاص داده‌اند.

به هر حال در حالیکه بخشی از گاز روسیه از طریق خط لوله به اروپا انتقال می‌یابد، منابع گازی سه کشور ایران، ترکمنستان و قطر می‌تواند در تأمین انرژی شرق و جنوب شرقی آسیا و آسیای دور نقش ایفاء کند. به ویژه اگر پروژه‌های LNG و یا GTL در این منطقه فعال شود، بر اهمیت استراتژیک منطقه افزوده خواهد شد، کما اینکه در قطر چنین پروژه‌ای در دست اجراست.

آینده انرژی در آسیا

اگرچه طی دهه ۱۹۷۰ از انرژی، خصوصاً نفت بعنوان یک سلاح جهت کشمکش‌های سیاسی بهره‌برداری به‌عمل آمد معه‌ذا در طی دوران ۱۹۹۰-۱۹۸۰ میلادی عرضه نفت افزایش حاصل نمود که عمدتاً بعزت پیشرفت‌های تکنولوژیکی بوده است. با بروز بحران در آسیا تقاضا برای نفت در منطقه کاهش یافت اما این روند در حال حاضر به رشد مجدد اقتصادهای آسیای تبدیل یافته و تقاضا برای انرژی در حال افزایش است.

از سال ۱۹۹۳ که جمهوری خلق چین از صادرکننده خالص به واردکننده خالص (Net)

از نظر تأمین انرژی دریای خزر نمی‌تواند با خاورمیانه رقابت کند زیرا هزینه تولید در این منطقه بسیار بالاتر، حمل و نقل مشکل‌تر و میزان ذخایر آن بسیار کمتر از خاورمیانه است

(IMPORTER) مبدل شد، منطقه آسیا وابستگی شدیدی به نفت خاورمیانه پیدا نموده است. تقاضا برای نفت در جمهوری خلق چین نیز در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود

که تا سال ۲۰۱۵ تقاضای این کشور برای نفت به ۹ میلیون بشکه در روز برسد. توسعه زیرساخت‌ها در چین از اهمیت زیادی برخوردار است. پیش‌بینی شده که رشد تقاضا برای انرژی در چین بطور متوسط سالیانه ۴/۵ درصد باشد (تا سال ۲۰۱۰) و با توجه به اینکه اکتشاف جدیدی در چین به وقوع پیوسته و در بلندمدت این کشور ممکن است با کمبود انرژی‌های اولیه مواجه شود لذا بهره‌برداری از زغال‌سنگ مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. با ورود هر چه بیشتر چین به عرصه اقتصاد بین‌المللی دو شرکت نفتی عمده در چین در ماه‌های اخیر سعی کرده‌اند که در عملیات اکتشاف و بهره‌برداری نفت در خارج از کشور فعالیت بیشتری داشته باشند. چین همچنین در حال احداث انبارهای

نفتی استراتژیک (Strategic Petroleum Reserves) جهت کاستن اثرات نوسانات قیمت نفت می‌باشد. یکی دیگر از کشورهای منطقه که تقاضا برای انرژی در آنجا روندی فزاینده به خود گرفته هند است. در حال حاضر مصرف گاز در این کشور، غالباً بصورت LNG روندی فزاینده دارد. هم‌اکنون هند از زغال‌سنگ بعنوان عمده‌ترین منبع سوخت استفاده به‌عمل می‌آورد اما روند استفاده از نفت و گاز نیز فزاینده بوده که علت آن تداوم رشد اقتصادی این کشور طی سال‌های اخیر است. نظر به اینکه هرگونه طرح امنیت انرژی در آسیا مرتبط با خاورمیانه خواهد بود، لذا کشورهای این دو منطقه احتمالاً روابط خود را عمیق‌تر خواهند نمود.

اسامی برخی از سخنرانان و عناوین مقالات ارائه‌شده در همایش‌های

بررسی ارتباط میان خاورمیانه و آسیا در زمینه انرژی و سمپوزیوم همکاری انرژی آسیا - پاسیفیک ۲۰۰۰

نام سخنران	عنوان مقاله
- کن کویوما، مؤسسه اقتصاد انرژی، ژاپن	تأثیر بحران اقتصادی آسیا بر بازارهای نفت
- هیون - جون چانگ، مؤسسه اقتصاد انرژی، کره	وضعیت فعلی حاکم بر بازار گاز طبیعی و رشد و توسعه زیرساخت‌ها در آسیای شمال شرقی
- مهد زمزم بن جعفر، مرکز انرژی، مالزی	مسائل ایجادشده برای حفظ ایمنی ذخایر انرژی و عرضه آن به آسیا
- ماساوا تاکاگای، مؤسسه تحقیقات میتسوبیسی، ژاپن	مشکلات اقتصادی و امنیت انرژی در آسیا
- ویلیام سی. رمسی، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)	همکاری آتی میان آسیا و آژانس بین‌المللی انرژی
- جی. چول ریو، مرکز مطالعات انرژی آسیا آرام	تأثیر بحران اقتصادی آسیا بر ابعاد مختلف عرضه و تقاضای انرژی
- کینوکا تاکورا	نشانه‌های همکاری میان آسیا و خاورمیانه
- ای. کی. ثابت شرکت ملی نفت، ابوظبی	بررسی منطقه آسیا و خاورمیانه
- دکتر رمضی سلمان، وزارت انرژی و صنعت، قطر	آسیا و خاورمیانه، ارتباط در بخش انرژی
- پی. سانپو، مؤسسه بررسی سیستم‌های انرژی RAS	بررسی مسائل انرژی در مناطق شرقی روسیه و کشورهای آسیای شمال شرقی
- لوچیونو، شرکت نفتی اگزان، موبیل، آمریکا	وضعیت انرژی در جهان و استراتژی شرکت‌های بزرگ نفتی در آسیا
- هیساشی اوادا، انستیتوی امور بین‌المللی ژاپن	امنیت آسیا و ثبات عرضه انرژی
- هیروبوئی کاوانو، آژانس انرژی و منابع طبیعی MITI	امنیت نفتی در آسیا و سیاست‌های کشورهای آسیا
- جفرسون ادواردز، مرکز تحقیقات انرژی کمبریج	آینده انرژی در آسیا
- علی ساجدی، سفیر ایران در ژاپن	ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر اهمیت عرضه منابع هیدروکربوری
- علی النعیمی، وزیر نفت عربستان	
- ژان کلود برنه، مشاور ارشد امور اجرایی برق فرانسه	امنیت انرژی و توسعه انرژی هسته‌ای در جهان